

🔖 **نقد کتاب** ‏ **رامین جهان پور**

نگاهی به مجموعه داستان «جشن جنگ»

وقتی جنگ تمام شد



می‌گردند؛ آدم‌هایی که نه دنبال رانت بودند و نه دنبال کارخانه و برج و بزرگ‌ترین رسالت زندگی‌شان ایستادگی در مقابل دشمن و جان رافدای وطن کردن بود، با این همه اما احمد دهقان این بار در ساختار داستان‌هایش به یک پوست‌اندازی رسیده و انگار که در کتاب جدیدش نخواستسته دوباره حرف‌های قبلی‌اش را از لابه‌لای داستان‌هایش بازگو و در قومه‌ها و خاطر‌اتش خودش را تکرار کند. نگاه دهقانی که در زمانی خود یک نویسنده روزمنده بوده در کتاب جدیدش قدری تازه‌تر شده است.

خصوصاً در داستان اول و دوم این مجموعه یعنی «جشن جنگ» و «تاکجوی‌ها» می‌توان این متفاوت‌نگریستن را احساس کرد.او در داستان اول کتاب یک اثر ضدجنگ نوشته است. داستان از زبان دختر به نام سالار روایت می‌شود که یک دانشجوی هنر است.

او به همراه هم‌کلاسی‌هایش سیاوش و ابراهیم و چند ت‌ای دیگر که دانشجوی تئاتر هستند به پیشنهاد یکی استادهایشان تصمیم می‌گیرند نمایشی اجرا کنند؛ نمایشی از فرم «پرفورمنس»که همه چیزش باید طبیعی باشد و تماشاگران در آن سهیم باشند اما دانشگاه مانع کار آنها می‌شود و دانشجویان گروه تئاتر تصمیم می‌گیرند در اقامتی خودجوش این پرفورمنس را در یک زیرزمین شخصی اجرا و افراد زیادی را هم به آنجا دعوت کنند. دختر از پدر جانبازش می‌خواهد که برای دیدن نمایش‌شان بیاید اماواستقبال نمی‌کند، چون معتقد است دیگر دوست ندارد خشونت و جنگ را؛ از نزدیک ببیند، سیاوش شخصیت اول تئاتر تصمیم می‌گیرد سطلی آهنی بر سر بگذارد و جای سیبل قرار بگیرد.

آن وقت کارگران از جمعیت می‌خواهد با تفنگ‌ساچمه‌ای با همان بادی به طرف او شلیک کنند و جایزه بگیرند. تماشاگران برهیجان بدن سیاوش را نشانه می‌گیرند و خونین و مایلنش می‌کنند اما سیاوش وقتی سطل را از صورتش برمی‌دارد و جلوی جمعیت می‌ایستد همه دلشان مثل سیاوش می‌پوزد و کسی به او شلیک نمی‌کند. داستان اشاره‌ای تمثیلی دارد به کشته شدن آدم‌هایی که در جنگ حتی یک بار هم همدیگر را؛ از نزدیک ندیده‌اند. از ضعف‌های داستان، شعاری شدن آن است. دیالوگ‌ها و توضیحاتی که از طرف کاراکترهای داستان مثل سیاوش و ابراهیم بیان می‌شود بر از شعار و مستقیم‌گویی نویسنده است که داستان را به سمت غیرواقعی بودن سوق می‌دهد. اما در داستان دوم یعنی «تاکجوی‌ها» نویسنده سریع سوزهای رفته که تا به کامل نویسنده‌ای از دفاع مقدس آن را روایت کرده است؛ بیکار شدن رزمندگان که بعد از هشت سال جنگ جایی برای کار کردن و امرار معاش ندارند. تاکجوی‌ها قصه مرد عیالواری به اسم بابا ابرام است که در زمان جنگ راننده تاکت بوده و وقتی جنگ تمام می‌شود هیچ شغل دیگری بلد نیست و در ضمن سواد درده و حسابی هم ندارد، چون از نوجوانی در جبهه بوده است، در آخر داستان هم به خاطر بیکاری و فشار اقتصادی در جبهه زندگی، تبدیل به یک آدم‌روان‌پریش می‌شود. این مجموعه داستان توسط انتشارات نیستان در ۱۱۲صفحه منتشر شده است.

🔖 **معرفی کتاب**

کتاب پدر شهید مدافع حرم از خاطرات یحیی نماز به چاپ چهارم رسید

کتاب «آخرین نماز در حلب» مجموعه خاطرات شهید مدافع حرم عباس شمسگرد توسط انتشارات شهید کاظمی به چاپ چهارم رسید. «آخرین نماز در حلب» مجموعه خاطرات شهید مدافع حرم عباس دانشگر نوشته مؤمن دانشگر پدر این شهید به تا‌زگی توسط انتشارات شهید کاظمی به چاپ چهارم رسیده است.

شهدای مدافع حرم موج جدیدی از اسلام‌خواهی را نه‌تنها در ایران که در سراسر جهان اسلام ایجاد کرده‌اند. آنها داشته‌های دفاع مقدس را غنی کردند و فصول دیگری بر کتاب‌قطورش افزودند. شهید عباس دانشگر هم یکی از شهدای مدافع حرم است که به تعبیر مقام معظم رهبری لفظ «جوان مؤمن انقلابی» شایسته است. این شهید متولد اردیبهشت ۱۳۷۲ از شهرستان سلمتان است. حضور او در پایگاه بسیج باعث شد رفتار و گفتارش با اخلاق اسلامی آراسته شود. رابطه‌ای صمیمی و عاطفی با دوستانش پیدا می‌کرد. در سال ۱۳۹۰ کنگور سراسری شرکت کرد و با رتبه عالی در دانشگاه سلمتان و در رشته مهندسی کامپیوتر (ترم افراز) قبول شد اما به‌خاطر علاقه‌ای که به سپاه پاسداران داشت، در آزمون دانشگاه امام حسین(ع) هم شرکت کرد و قبول شد.

سعید امیر سلیمانی در گفت‌وگو با «جوان»:

باید فکری به حال نزول کیفیت سریال‌ها شود

دهنده درست نیست.

بازیگر «هزار داستان» با اشاره به گستردگی رسانه‌های سرگرم‌کننده گفت: خوش‌بختانه مخاطبان امروز مجبور نیستند وقت خود را صرف سریال‌های بی‌کیفیت کنند و خیلی راحت کانال را عوض می‌کنند و می‌روند کانالی دیگر یا به شبکه خانگی می‌روند یا سریال‌های روز خارج را می‌بینند، پس بازنده کیفیت پایین سریال‌ها فقط نمازندگان و تولیدکنندگان هستند.

سعید امیر سلیمانی خاطر نشان کرد: خودم در ماه‌های اخیر سریال‌های شبکه نمایش خانگی را ترجیح می‌دهم، البته ناگفته نماند آب‌بندی و کش‌دادن بیهوده به سریال‌های خانگی هم نفوذ کرده و برخی سریال‌های خانگی هم استانداردها را رعایت نمی‌کنند که باید اصلاح شود.

این بازیگر پیشکسوت می‌افزاید: هر جا و هر زمان که تولیدکننده به فکر آن بیفتد که در تولید به سود برسد، آنجا استارت مرگ سریال است. تولیدکننده به جای حساب و کتاب بیهوده و برداشتن سهم گنده از هزینه تولید برای خودش، باید به غای اثر فکر کند و فقط دستمزدش را بگیرد و مابقی سرمایه را صرف مستقیم تولید کند تا کار ارتقا یابد.

این بازیگر ۷۷ساله ابراز امیدواری کرد: تهیه سریال‌های جذاب و به‌روز و همه‌پسند باید در تلویزیون خودمان استارت بخورد و این طور بشود که تلویزیون در صدر رسانه‌های مخاطب پسند قرار بگیرد. تلویزیون ملی باید اول باشد تا مخاطبان اعتمادشان به آن بالا رود و در نهایت مرجعیت به این رسانه برگردد.



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی
سر‌دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
قطاع میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۸۴۵۶۳۴۴-۶
نمابر: ۸۸۸۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۰۰۰ | شنبه ۲۵ مرداد ۱۳۹۹ | ۲۵ دی‌الحجه ۱۴۴۱ | اذان ظهر: ۱۳:۰۹ | غروب آفتاب: ۱۹:۵۵ | اذان مغرب: ۱۳:۰۱۲ | ۲۵مهرشعب‌سرعی: ۲۳:۰۰۲ | اذان صبح: ۵:۲۴ | طلوع آفتاب: ۶:۲۴ |

داستان ادامه‌دار فیلمسازی زیرزمینی خارجی‌ها در ایران

«نتفلیکس» با موبایل

در ایران فیلم می‌سازد!

ابوالحسن داوودی، کارگردان سینما مدعی شد بزرگ‌ترین سرگرمی ساز جهان در حال ساخت فیلم بدون مجوز در ایران است



■ **محمد صادقی**

نتفلیکس که در ایران فعالیت قانونی ندارد به ادعای یک فیلمساز مطرح ایرانی در حال ساخت محصولی نمایشی در ایران است؛ پروژه‌ای که مجوزی از وزارت ارشاد دریافت نکرده و ساخت ندارد و نظارتی روی آن نیست؛ ساخت فیلم در ایران دارای قوانین مشخصی است و فیلمسازان ایرانی و خارجی که تمایل به ساخت فیلم در محدوده سرزمینی ایران دارند باید این مقررات را رعایت کنند اما آنچه در عمل دیده می‌شود این است که بخشی از سینماگران ایرانی و تعدادی از فیلمسازان خارجی به دلیل راحت‌بودن دور زدن مقررات و وزارت ارشاد، به راحتی و با استفاده از عوامل ایرانی فیلم می‌سازند و آن را پخش می‌کنند.

در جدیدترین نمونه از این دور زدن قانون، ابوالحسن داوودی از حضور غیرقانونی نتفلیکس در ایران خیر داد. داوودی که مهمان برنامه «شهر فرنگ» شبکه خبر سیما بود، مدعی شد نتفلیکس در ایران دارد فیلم می‌سازد و در پاسخ به مجری برنامه که درباره چگونگی حضور غول سریال‌سازی جهان در ایران پرسید، این فیلمساز از ساخت فیلم به وسیله دوربین‌های پیشرفته موبایل گفت، اما در نهایت خواستار این شد که برخوردی با این کار نشود!

■ **فیلمسازی زیرزمینی اسرائیلی‌ها**
اگرچه داوودی درباره پروژه‌ای که نتفلیکس در ایران دارد توضیحات بیشتری ارائه نکرد و تنها مرجع این مدعی شخص وی است، ولی می‌توان با مشاهده اتفاقاتی که اخیراً در سینمای ایران رخ داده است، این ادعا را محتمل دانست.

سال گذشته فیلم سینمایی‌ای با نام «پراتور» (مأمور مخفی) ساخته مشترک آلمان و اسرائیل

در فستیوال فیلم برلین رونمایی شده، فیلمی که داستان آن بر اساس کتاب خاطرات یک جاسوس بازنشسته اسرائیلی ساخته شده است؛

کتابی با نام «معلم انگلیسی» که به کارگردانی «یوآل آدلر» ساخته شد و موضوع آن حضور یک

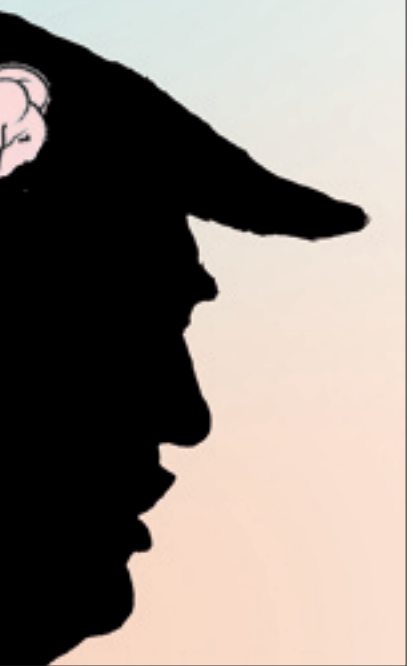
🔖 **حکمت**

امام حسن مجتبی(ع):

فرصت، زوده می‌رود و دیر می‌آید.

کتاب **زنه الناظر و تنبيه الناظر**

| روزنامه جوان | شماره ۶۰۰۰ | شنبه ۲۵ مرداد ۱۳۹۹ | ۲۵ دی‌الحجه ۱۴۴۱ | اذان ظهر: ۱۳:۰۹ | غروب آفتاب: ۱۹:۵۵ | اذان مغرب: ۱۳:۰۱۲ | ۲۵مهرشعب‌سرعی: ۲۳:۰۰۲ | اذان صبح: ۵:۲۴ | طلوع آفتاب: ۶:۲۴ |



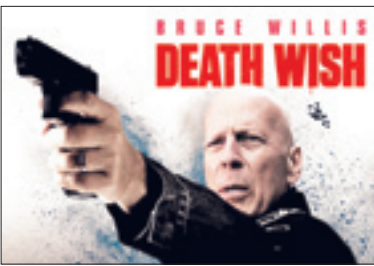
هشدار سنی برای تزئین و قشنگی نیست!

نگاهی به سایت معتبر «IMDB» نشان می‌دهد فیلم «آرزوی مرگ» دارای بالاترین میزان رده‌بندی سنی و دارای نشان «R» است اما همین فیلم از شبکه نمایش ایران بدون هشدار سنی پخش می‌شود

محمدصادق عابدینی

خوبی می‌گذرد تا اینکه در یک شب با ورود سارق مسلح و کشته شدن همسر و دختر، مرد خانواده دچار شوک روحی شده و تصمیم به انتقام می‌گیرد و شروع به کشتن و از بین بردن تبهکاران می‌کند.فیلم پر از بددهنی، خشونت رفتاری و صحنه‌های تکان‌دهنده قتل و تیراندازی است. فقط در یکی از سکانس‌ها مرد عصبانی گروهی از تبهکاران خرده‌پا می‌کند. چندین صحنه خشونت‌آمیز و نمایش جراحی پیکرهای مجروح بخش‌هایی از فیلم «آزوی مرگ» بود که از شبکه نمایش بدون محدودیت سنی پخش شد اما دیدن این فیلم در آمریکا که سازنده آن است هم برای همه مجاز بوده؟نگاهی به سایت معتبر «IMDB» نشان می‌دهد که فیلم «آزوی مرگ» دارای بالاترین میزان رده‌بندی سنی و دارای نشان «R» است.

در انگلیس این فیلم برای مخاطب بالای ۱۸سال مجاز شده و در استرالیا، کانادا، برزیل، آلمان و روسیه نیز همگی رده‌بندی ۸ (سال‌منظور شده است اما برای مخاطب داخلی شاید منظور از محدودیت ۱۸سال بیشتر به معنای فیلم دارای سکانس‌های غیراخلاقی باشد، اما آنچه در این فیلم باعث شده چنین رده‌بندی‌سنی اعمال شود، خشونت، درگیری، بددهنی و مصرف مشروبات الکلی بوده است. حال فرض کنید خانواده ایرانی بدون آگاهی از چنین رده‌بندی سنی باید صبح خود را با تماشا شیت خشونت‌خاص بگذرانند. در یکی از دیالوگ‌های فیلم بوروس و پلیس به عنوان پدر خانواده‌دوست، به مر دی که در پارک و جلوی خانواده‌ها بددهنی می‌کند، می‌گوید: «یک مک مؤذّب باش اینجا بچه چه هست!» آیا صدوسیما به این فکر نمی‌کند که مخاطب برنامه‌های آن وقتی که هیچ هشدار سنی وجود ندارد همه خانواده‌ها هستند و به خصوص در روزهای تعطیل «چه می‌کند؟» فیلمی با بازی بوروس و پلیس که بدون هیچ هشدار سنی از تلویزیون پخش شد. وقتی صدوسیما برای فیلم یا سریالی محدودیت سنی نقل نمی‌شود به آن معناست که تماشاچی این فیلم برای همه اعضای خانواده مجاز است. «آرزوی مرگ» درباره یک خانواده سه نفره است. پدر خانواده یک جراح متخصص است و دخترش یک ورزشکار موفق و در کل همه چیز تا قبل از سرقت از منزل آنها به



فرض کنید صبح جمعه است و در کنار خانواده می‌خواهید فیلم سینمایی تماشا کنید. احتمالاً برای اینکه از محتوای فیلم خیالاتن راحت باشد و از سلامت آنچه می‌بینید اطمینان خاطر داشته باشید، تماشاچی فیلم‌های شبکه «نمایش تلویزیون یکی از گزینه‌هایی است که مانند خیلی از خانواده‌ها سرآغ آن را خواهید گرفت. تصور عمومی این است که محصولی که از شبکه‌های سیما پخش می‌شود، فاقد هر گونه صحنه غیراخلاقی است؛ تصویری که تقریباً با درجه تضمین بالا می‌توان آن را تأیید کرد اما سلامت فیلم صرفاً به حذف سکانس‌های غیراخلاقی و پوشش‌های نامناسب محدود نمی‌شود. بددهنی، ترسناک بودن، خشونت، استعمال دخانیات و مصرف مشروبات الکلی بخش‌های دیگری هستند که می‌توانند یک فیلم را از نظر محتوایی برای گروه‌های سنی ممنوع و محدود کنند.

یک خانواده فرضی می‌خواهند صبح جمعه و روز تعطیلی را در کنار هم به تماشای یک فیلم سینمایی بگذرانند و ناگهان سکانس‌های نمایشی سواستفاده کرده و فیلم‌هایی ساخته‌اند که به خاطر نوع نمایش شرایط اجتماعی و سیاسی داخل ایران به آنها «سیاه‌منما» گفته می‌شود. حضور دوربین نتفلیکس در ایران برای تشریفات قانونی نیز مصداق همین موضوع خواهد بود و باید دید نهادهای نظارتی و امنیتی درباره ادعای دوربینی نتفلیکس چه بر خورده‌ی خواهند داشت و سرنوشته همکاران داخلی این پروژه مانند مشارکت‌کنندگان ایرانی در ساخت فیلم ضدایرانی «پراتور»، خواهد شد یا خیر!

بحران اجرا در تلویزیون ادامه دارد

بی‌سوادی مجری مسابقه «ایران» و رکیک‌گویی مجری ورزشی



هم متوقف شده است.

حاشیه‌بعدی مربوط به ویدئویی از اجرای سام درخشانی در مسابقه «ایران» بود که این بار به کم‌طلاعی مجری برنامه نسبت به سوال و جواب‌هایی که با یکی از شرکت‌کنندگان طرح شد، مربوط می‌شد؛ دیالوگ‌هایی که نشان می‌دهد نه تنها مجری برنامه اطلاع‌ی نسبت به جغرافیا و تاریخ «ایران» و شخصیت‌ها و چهره‌های تاریخ معاصر که اساساً در این برنامه با نام «ایران» روی آن تأکید می‌شود، ندارد بلکه برنامه‌ساز و تهیه‌کننده هم از این آگاهی برخوردار نبوده‌اند تا اجازه ندهند چنین گاف‌هایی در یک برنامه تولیدی، روانه آنتن پخش شود و حداقل در تدوین مجدد آن را اصلاح کنند. حضور هنرمندان و سلبریتی‌ها طی سال‌های اخیر در تلویزیون با انتقادهایی مواجه بوده که یک دلیل آن همین نداشتن تخصص‌های لازم است، با این حال می‌توان حداقل در پرهه گیری از چهره‌ها برای اجرای یک برنامه تلویزیونی مخصوصاً در یک برنامه تولیدی و غیرزنده، آنها را با سوالات، فضا و اطلاعات مورد نیاز برنامه آشنا کرد.

به نظر می‌رسد شرایط اجرا در تلویزیون به یک بحران دچار شده است؛ چراکه هر روز باید شاهد صحنه‌های جنجالی از مجریان تلویزیون یا سلبریتی‌ها باشید، این هفته هم تلویزیون از این حواشویی خالی نبود؛ حواشویی‌ای که یکی از یکی عجیب‌تر می‌نمود، مهر در گزارشی می‌نویسد: مورد اول مربوط به مجنتی پوربخش، مجری برنامه «فوتبال یک» در شبکه ورزش بود که ویدئویی شوخی‌های زشت و زننده‌اش با سرمربی یکی از تیم‌های فوتبال آن هم روی آنتن زنده در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد و نشان داد مجربانی از این دست برای دیده شدن از هیچ کاری ایایی ندارند. نکته عجیب اینکه پوربخش تازه کار هم نیست و چندین سال است که این برنامه را روی آنتن دارد و قطعاً مناسبات تلویزیون و حتی آنتن زنده را می‌داندسته و همین شدت قبیح بودن کارش را بیشتر هم می‌کند.

جالب این است که هیچ یک از مدیران شبکه ورزش یا مدیران بالادستی هم به صورت رسمی توییح یا تذکری نسبت به عمل او نداشتند و انگار تلویزیون تا مناقشه به خطر نیفتد و طرف مقابل وارد جدل و شکایت نشود، هیچ گاه برخوردی با مجری خاطی حتی در موارد اخلاقی نخواهد داشت، بر عکس مورد دو هفته قبل یعنی رضیا احمدی، مجری دیگر تلویزیون که شوخی او باعث دلخوری و اشگاه بر سوییس شده بود و مشاور مدیر شبکه یک سیما طی توثیقی خبر داد که او بر کنار شده است. در این مورد اما از اطلاع‌رسانی و موضع رسمی خبری نبود و تنها در فضای مجازی این شایعه مطرح شد که این مجری بر کنار و تولید و پخش برنامه